**( 185 )**

**هو الله**

ای یار نازنین آنچه نگاشتی و در دل داشتی پدیدار و خواهش آشکار گشت هر چه ناله و فریاد کنی و آرزوی جانفشانی در راه آندلبر مهربان جوئی سزاوار و شایانست ولی چون چنین اندیشی در هر دمی جانی بیفشانی از خدا خواهم که آرزوی تو و مرا هر دو روا فرماید تا هر یک در جانفشانی پرچمی برافرازیم اما تو چون به بندگی خدا پرداختی و راز پنهان آموختی و فارسیانرا بخداوند مهربان خواندی در هر دم جانفشانی براستی زردشتیان روی پیشینیانرا سفید نمودند و پاکی نژاد را پدید کردند من از آنان خوشنودم پس باید بجوشند و بخروشند تا هر همکیش را خوش اندیش کنند و هر بیگانه را یار و خویش نمایند آندم نیروی پروردگار پیاپی رسد و یاری آمرزگار دم بدم دیده شود و از برای پدر و مادر که بجهان دیگر رفته‌اند و از سرچشمه زندگانی جاودانی بی‌بهره بودند اگر خواهش آمرزش شود در درگاه خدا پذیرفته میشود از برای خداداد دل آسوده دار آن سر گشته کوی یار بگلزار یزدانی شتافت و زندگی جاودانی یافت جانت خوش باد (ع ع)